

• مقاله: طرق کنترل ثروت در اسلام

معارف اسلامی: سرعت، مسابقه و تعجیل در خیرات

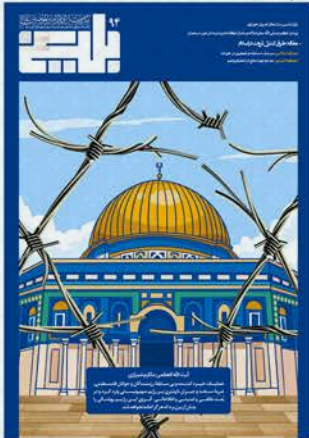
احکام شرعی: عدم وجود مانع در اعضای وضو



آیت الله العظمی مکارم شیرازی

عملیات خیره کننده و بی سابقه رزمندگان و جوانان فلسطینی، ضربه سخت و جبران ناپذیری بر رژیم صهیونیستی وارد کرد و در بُعد نظامی و امنیتی و اطلاعاتی، آبروی این رژیم پوشالی را چنان از بین برد که هرگز اعاده نخواهد شد.

صاحب امتیاز: پایگاه اطلاع رسانی دفتر
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)
نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز
کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶
وبگاه: makarem.ir
پست الکترونیک: info@makarem.ir
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۳۱-۳۷۷۴۳۸۱۹
تلفار: ۰۲۵۳۷۸۳۹۹۳۴



طلّیعه سخن

امروزه شاهد کشتار مظلومانه مردم غزه به شکلی کاملاً وحشیانه هستیم، اسرائیل جنایتکار، برادران ما را در غزه می کشد، و هر روز جنایت تازه ای می آفریند، مخصوصاً کشتار وسیع زنان و کودکان و غیر نظامیان و تخریب منازل و مدارس و بیمارستان ها در غزه به طور گسترده، و بیرون راندن مردم مظلوم غزه از شهر و دیار خود، جنایاتی را رقم زده که قلم از بیان آن شرم می کند، و انسان طاقت دیدن و شنیدن آن را ندارد!

تاریخ ننگین اسراییل موید این مسأله است که تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ میلادی در قلب ممالک اسلامی بر مبنای اشغال سرزمین فلسطین و نژادپرستی شکل گرفت و چه جنایت های هولناکی که برای تشکیل آن مرتکب نشدند، و چه جنایات وحشتناکی که برای نگهداری آن مرتکب نمی شوند؛ به نحوی اگر بنا شود نژاد پرستان جهان را رده بندی کنیم بدون شک صهیونیسم در رأس آن قرار می گیرد.

از سوی دیگر رژیم صهیونیستی پایبند به هیچ قانونی نیست؛ سازمان ملل و شورای امنیت قطعنامه ها صادر کردند لیکن اسراییل کل مصوبه شورای امنیت درباره تخلیه زمین های اشغال شده را زیر پا گذاشته است و با صراحت اعلام می کند محال است زمین های اشغال شده را پس بدهیم.

از حدود ۱۵ میلیون یهودی ۳ و نیم میلیون صهیونیسم هستند اگر عده ای خیال کنند آنها به سرزمین های اشغالی قانع هستند سخت در اشتباه هستند، این عده کم به سرزمین هائی که ادعاء می کنند، قانع نیستند، و نقشه توسعه طلبی از نیل تا فرات را در اندیشه می پرورانند.

در این میان سران بعضی از دولت های عربی با رژیم غاصب نرد عشق می بازند و با عادی سازی روابط با اسراییل و سکوت در برابر جنایات رژیم صهیونیستی در غزه لعن و نفرین ملت های اسلامی و آیندگان را برای خود می خرند، در حالی که تصاویر تکان دهنده جنایات رژیم صهیونیستی در غزه نشان می

دهد اسرائیل تنها زبان زور می فهمد و جز با قدرت و قوت نمی توان با این رژیم بی رحم سخن گفت.

بنابراین کسانی که خود را خادم الحرمين می دانند، اما در عمل خادم اسرائیل هستند، اینها دست در دست اسراییلی ها گذاشته اند؛ در حالی که ما انتظار نداریم کسانی که این عنوان را دارند خادم اسرائیل باشند. از اینها مشکل تر کار دولتمردان ترکیه است که دیدیم دست در دست اسرائیل گذاشتند.

گفتنی است آمار شهدا و مجروحان و آوارگان غزه هر لحظه افزایش می باید اما نه از سران عرب و نه از غرب صدایی شنیده نمی شود و این تأسف بار است.

سکوت محافل و مجامع مدعی حقوق بشر غرب نسبت به جنایات فجیع صهیونیست ها در غزه ثابت کرد اعلامیه حقوق بشر ورق پاره بی ارزشی بیش نیست که به سخریه نزدیک تر از واقعیت است.

به راستی متحدان عربی آمریکا در جنگ غزه چقدر در مقابل صهیونیست ویران گرا ایستادند؟ حقیقت آن است که این اعلامیه های حقوق بشر و جمعیت حامیان عرب همه پوچ است. لذا با صدای بلند باید گفت روی تان سیاه باد، ننگ بر شما که نام خود را حامیان حقوق بشر گذاشته اید، گروهی را تقویت و حمایت می کنید که جنایاتی را مرتکب می شوند که در تاریخ سابقه ندارد.

البته جنگ غزه علیرغم تمام مصائبش برای جهان اسلام و بشریت این اثر مثبت را داشت که وجدان عمومی جهانیان را بیش از پیش در برابر اسراییل غاصب بیدار کرد و اعتماد جهانیان را از مدعیان حقوق بشر و مجامع بین المللی به کلی سلب نمود.

اینگونه است که شور و غوغایی در جهان بر ضد اسرائیل متجاوز و خونخوار برپا شده و علیرغم سکوت مرگبار حامیان اسرائیل مخصوصاً آمریکا و عده ای از سران کشورهای عربی، سیل اعتراضات مردمی به سوی اسراییل غاصب سرازیر شده که کشتن مردم بی دفاع غزه مخصوصاً کودکان و تخریب منازل آنان را شدیداً محکوم می کنند.

در این میان همه دنیا فهمیدند که تنها حامی مردم مظلوم فلسطین و غزه در عمل که از هیچ گونه کمکی مضایقه ندارد، ایران است؛ در حالی که سران مرتجع عرب فقط حرف زده اند و مقاومت غزه با صراحت اعتراف کرد تمام کمک را ایران به آنها در این نبرد نابرابر کرده است .

بی شک عمر شکست های جنگی اسرائیل روز به روز کوتاه تر می شود و بر همگان اثبات شده است افسانه ارتش شکست ناپذیر و گنبد آهنین و سرزمین امن و امان به کلی بر باد رفته لذا همه دنیا با نهایت تعجب دیدند که در روز های اخیر عملیات خیره کننده و بی سابقه رزمندگان و جوانان فلسطینی، ضربه سخت و جبران ناپذیری بر رژیم صهیونیستی وارد کرد و در بُعد نظامی و امنیتی و اطلاعاتی، آبروی این رژیم پوشالی را چنان از بین برد که هرگز اعاده نخواهد شد.

تمامی این حرکات ها نشأت یافته از ظلم، ستم و غصبی است که رژیم اسرائیل ده ها سال بر مردم مظلوم فلسطین وارد کرده، مظلومانی که با مقاومت و همبستگی خود ثابت کردند که وعده الهی در یاری آنان محقق شده است.

در خاتمه باید گفت امروز دشمن در سرازیری سقوط قرار گرفته است، اسراییل از درون گرفتار مشکلات عظیمی شده است، حالت پوسیدگی این رژیم نمایان گشته، سابقاً یهودیان برای مهاجرت به سرزمین های اشغالی سرو دست می شکستند، اما حالا دیگر از آن خبرها نیست؛ آن ها نیز فهمیدند اسراییل جای امنی برای زندگی نیست. افراد آگاه پیش بینی می کنند مقدمات زوال رژیم غاصب صهیونیستی از راه های مختلف فراهم می شود.

حال رژیم سفاک صهیونیستی که اکنون در پایان عمر خود قرار گرفته، درنده خویی را به نهایت رسانده و مردم فلسطین و صاحبان اصلی آن دیار را به وحشیانه ترین شکل، مورد هجوم قرار داده است، از این رو لازم است همه مسلمانان جهان و دولت های اسلامی به هر صورتی که برایشان مقدور است از این مظلومان دفاع کنند و بدانید پیروزی نهایی برای مستضعفان است.



پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید حوزه های علمیه خواهران و حوزه علمیه جامعه الزهرا سلام الله علیها

إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ حَتَّى يَطَأَ عَلَيْهَا، رِضَى بِهِ

بسم الله الرحمن الرحيم

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ حَتَّى يَطَأَ عَلَيْهَا، رِضَى بِهِ

به جاست در ابتدا، حلول ماه ربیع الاول ماه منسوب به سرچشمه هدایت انسان ها حضرت ختمی مرتبت را به همه جویندگان و علم آموزان عزیز در آغاز سال تحصیلی جدید تبریک عرض نمایم و امیدوارم سال تحصیلی پیش رو سالی پربرکت همراه با پیشرفت علمی و توفیقات معنوی باشد. و همه اساتید معظم و طلاب محترم در کسب علم و فضیلت، موفق باشند.

مدح علم و عالمان علاوه بر آیات کریمه قرآن مجید در روایات نورانی اهل بیت

علیهم السلام نیز به صورت متواتر و با مضامین عالی آمده است و این کرامت و فضیلت در نگاه دین مبین، اختصاصی به مردان ندارد، بلکه برای نوع بشر از زن و مرد است؛ دانش است که شخصیت انسان را می سازد و روح او را تعالی می بخشد.

جمعیت چشمگیر زنان جامعه و اثرگذاری آنان در عرصه های مختلف از زندگی زناشویی و تربیت فرزندان تا حضور در عرصه های مختلف اجتماعی و علمی و به خصوص رشد و گسترش آن در سال های اخیر بر کسی پوشیده نیست، و به موازات آن، خطرات فکری، فرهنگی، عقیدتی و رفتاری فزونی یافته و اقتضا می کند که هدایت، راهنمایی و تبلیغ در این زمینه ها نیز رشد مضاعفی پیدا نماید.

این جانب ضمن توصیه به جدیت و پشتکار خواهران محترمه طلبه در این مجموعه علمی نسبت به فراگیری دروس

حوزوی، از ایشان، توجه به فضای کنونی جامعه و تلاش برای آشنا و علاقه مند کردن دختران و زنان این مرز و بوم به وظایف شرعی و تبیین آموزه های نورانی اسلام و رفتار شایسته و هدایت به سبک زندگی صحیح و اسلامی را خواستارم.

باید توجه داشت هدف عالی و نهایی، تربیت انسان هاست. البته شرط آن، حرکت در خودسازی و تربیت خویشتن است و در کنار آن باید با دلسوزی به هدایت و کمک به دیگران پرداخت.

در خاتمه از همه دست اندرکاران و متولیان این مراسم تشکر کرده و امیدوارم تلاش های انجام شده در این مرکز علمی و سایر مراکز علمی، اسباب رضایت حضرت صاحب العصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم نموده و خداوند عزّ وجلّ به لطف و کرم خویش، آن را قبول فرماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ در ابتدا لازم است میلاد پر نور و برکت رسول اعظم و نبی اکرم صلوات الله علیه و آله را به همه مسلمانان و به خصوص میهمانان گرمی تبریک و تهنیت عرض نمایم و از مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و دبیر محترم آن که اسباب برگزاری چنین مجلسی را فراهم نموده اند و علماء، دانشمندان و میهمانان محترم که در این مجلس شرکت کرده اند، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم.

سالیان متمادی است که این همایش ها وگردهمایی های همانند آن در کشور اسلامی ما برگزار می گردد و شرکت کنندگان در فضایی آرام و دوستانه در کنار یکدیگر و همراه با اخوت و برادری به بررسی مسائل و مشکلات می پردازند و هرگز اختلاف نظرها و تعدد و تكثر دیدگاه ها، مانع از گفتگو و تعامل نمی گردد؛

بی تردید چنین همراهی و همفکری، می تواند الگویی مناسب برای سایر جوامع اسلامی با همه تنوع ها و تكثرها باشد. به نظر می رسد دلیل چنین امری را باید در وجود ارزش های مشترک پیگیری کرد؛ چه ارزش های انسانی و چه ارزش های دینی که التزام و تعهد به آن، از تندروری و عدم تحمل مخالف جلوگیری کرده، راه را بر زندگی مسالمت آمیز، همراه با احترام به هم نوع و هم کیش هموار می سازد.

باید توجه داشت که دشمن در طول تاریخ بهترین حربه برای تضعیف جامعه ایمانی را اختلاف افکنی و بهره گیری از تفاوت های مذهبی، قومی و فکری قرار داده، هیچ گاه از این نقشه شوم دست برنداشته است، از این رو لازم است مسلمانان نیز با هوشیاری کامل لحظه ای از آن غافل نشوند.

یافتن ارزش های مشترک، تبیین و معرفی آن ها به مسلمانان و دعوت به رعایت و التزام به آن ها، مهمترین راه تداوم همبستگی و



پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه

به سی و هفتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی

تقریب میان مسلمانان است. اکنون که شعار اصلی این همایش نیز «همکاری برای دستیابی به ارزش های مشترک» است فرصتی ارزشمند به دست آمده تا با همفکری اندیشمندان و عالمان جهان اسلام، از درون منابع و مصادر اسلامی این مشترکات استخراج گردیده، به مسلمانان معرفی گردد تا در پرتو آن، جوامع اسلامی بیش از پیش به سوی همبستگی و در یک کلمه رسیدن به «امت واحده»، گام بردارند که این مهم تنها به دست اندیشمندان اسلامی، قابل تحقق می باشد.

این جانب بار دیگر ضمن تشکر از همه بزرگوارانی که در این همایش شرکت کرده اند، عزت و اعتلای بیش از پیش اسلام و تعالی مسلمانان در سرتاسر جهان را از خداوند عزوجل خواستارم و امیدوارم کاستی های موجود، با همت و تلاش همگان، مرتفع گردد. بمنّه و کرمه ائمه ولیّی قدیر.



پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه

به همایش «سالک الی الله»، بزرگداشت مرحوم حاج شیخ محمدعلی ناصری رحمت الله علیه

بسم الله الرحمن الرحيم

روی عن النبی (ص): الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ وَ خُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَ وَرَثَتِي وَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ.

جایگاه رفیع علم و علماء در هیچ دین و آیینی همچون دین مبین اسلام مورد تاکید و توجه قرار نگرفته است و شاید یکی از اسرار این مساله آن است که اندیشه و آثار دانشمندان به زمان حیات آنان اختصاص ندارد بلکه چه بسا تا هزاران سال پس از آنان نیز باقی مانده و مورد استفاده دیگران قرار گیرد، چراغهایی که زمین را روشن می سازند و رسالت پیامبران را ادامه می دهند.

این همایش که به یادبود مرحوم آیت الله

حاج شیخ محمدعلی ناصری اصفهانی (ره) برگزار گردیده در تجلیل از مقام علم و معنویت است.

آن فقید سعید هم در مراتب علمی با حضور در درس بزرگان نجف همچون مرحوم امام خمینی و آیات عظام وقت (قدس الله اسرارهم جمیعاً) و هم در مراتب معنوی با رسیدن به محضر سالکان و عارفان معظم (رضوان الله علیهم اجمعین)، به شخصیتی تأثیرگذار تبدیل گردید و پس از طی مراتب تحصیل و تهذیب نیز با بازگشت به زادگاه خویش در ایران، به تربیت نفوس و تعلیم دروس و تبلیغ معارف اهل بیت (علیهم السلام) اهتمام ورزید.

پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه

به مناسبت رحلت آیت الله غلامرضا صلواتی رحمت الله علیه

إنا لله وإنا إليه راجعون

خبر رحلت عالم فرزانه جناب آیت الله غلامرضا صلواتی (رحمت الله علیه) موجب تألم و تأثر گردید.

شخصیتی علمی و اخلاقی که در محضر عالمان و فقهاء بنام در اراک و قم پرورش یافته و وجود او در حوزه قم خصوصاً در

جمع شاگردان و علاقه مندان منشأ خیر و برکت بود.

علاقه وافر ایشان به امام راحل و سابقه مجاهدت های وی در انقلاب اسلامی نقطه ای درخشان در زندگی او محسوب می گردد.

اینجانب ارتحال این عالم ربانی را به

خانواده و شاگردان و علاقه مندان، علما و فضلاء حوزه علمیه قم و اراک تسلیت عرض نموده، علو درجات ایشان و صبر و اجر جزیل برای بازماندگان را از درگاه خداوند متعال خواستارم.

والسلام علیکم و رحمت الله

بسم الله الرحمن الرحيم

وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ
عملیات خیره کننده و بی سابقه رزمندگان و جوانان فلسطینی، ضربه سخت و جبران ناپذیری بر رژیم صهیونیستی وارد کرد و در بُعد نظامی و امنیتی و اطلاعاتی، آبروی این رژیم پوشالی را چنان از بین برد که هرگز اعاده نخواهد شد.

تمامی این حرکت ها، نشأت یافته از ظلم

و ستم و غصبی است که رژیم اسرائیل ده ها سال بر مردم مظلوم فلسطین وارد کرده؛ مظلومانی که با مقاومت و همبستگی خود ثابت کردند که وعده الهی در یاری آنان محقق گردیده است.

رژیم سفاک صهیونیستی که اکنون در پایان عمر خود قرار گرفته، درنده خویی را به نهایت رسانده و مردم فلسطین و صاحبان اصلی آن دیار را به وحشیانه ترین شکل، مورد هجوم قرار داده است؛



بیانیه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه

در پی وقایع اخیر در فلسطین

از این رو لازم است همه مسلمانان جهان و دولت های اسلامی به هر صورتی که برایشان مقدور است از این مظلومان دفاع کنند و بدانید پیروزی نهایی برای مستضعفان است.

ضمناً عموم مقلدان مجاز هستند یک سوم سهم مبارک امام علیه السلام را جهت یاری مردم فلسطین و آسیب دیدگان آنها مصرف نمایند.



مراسم سوگواری شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه الصلاة و السلام



سردار رادان فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی



مراسم جشن هفدهم ربیع الاول همراه با عمامه گذاری تعدادی از طلاب



مراسم حمایت و همدردی با مردم مظلوم فلسطین و یادبود شهدای غزه

فرمانده نیروی انتظامی استان قم

مهم ترین هدف پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم راهنمایی و هدایت مردم بود

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار با اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلا، با تبریک فرا رسیدن میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: از جمله ابتکارات خوبی که انجام شد تشکیل مجمع نمایندگان طلاب بود و این کار بسیار پرافتخار و پرنتیجه ای بود و امیدواریم که ادامه پیدا کند و منشأ برکات قابل توجهی بشود.

معظم له در ادامه افزودند: امروزه دشمن تلاش دارد که افکار خود را اعمال کند، و در مقابل آن ها باید تلاش کنیم که افکار پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را پیاده کنیم.

ایشان راهنمایی و هدایت مردم را مهم ترین هدف پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برشمرده و فرمودند: قرآن مجید نیز با صراحت می گوید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»، کسی که یک نفر را زنده و هدایت کند مثل این است که تمام انسان ها را هدایت کرده است. این تعبیر مهمی است، قرآن مبالغه ندارد و بی حساب و کتاب هم صحبت نمی کند.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در پایان فرمودند: به هر حال این فرصت مبارکی است که ابتکار شده و ادامه دارد و سزاوار است روز به روز جامع تر و کامل تر گردد. از خود امام زمان ارواحناه له الفداء که سربازان آن حضرت هستیم، یاری بطلبید که ان شاء الله شما را در این راه موفق بدارد و برای رسیدن به درجات عالی کمک کند.



مردم باید احساس امنیت داشته باشند

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار فرمانده انتظامی استان قم با تبریک هفته نیروی انتظامی فرمودند: زیربنای جامعه، نظم است و نیروی انتظامی، مأمور برقراری نظم در جامعه است.

ایشان افزودند: مردم باید در جامعه احساس امنیت داشته باشند و این مقوله با همکاری دستگاه های مختلف با نیروی انتظامی حاصل می شود.

معظم له با توجه به آیه شریفه «رب اجعل هذا بلداً آمناً» افزودند: اولین چیزی که حضرت ابراهیم علیه السلام، پس از بنای کعبه از خداوند درخواست داشتند، امنیت بود تا مردم بتوانند در محیط امن، عبادت خدا کنند.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی با ابراز خوشحالی از کاهش آمار جرم و تخلفات در قم فرمودند: باید این گونه موارد به صورت گسترده و مطلوب خبررسانی و منتشر گردد، تا عموم مردم از آن آگاهی یابند.

ایشان در ادامه بر لزوم ساماندهی اتباع خارجی و غیر محلی در قم تأکید کرده و افزودند: اینکه با تخلفات برخورد می کنید، خوب است اما باید به صورت ریشه ای با فساد و ناامنی مقابله کرد.

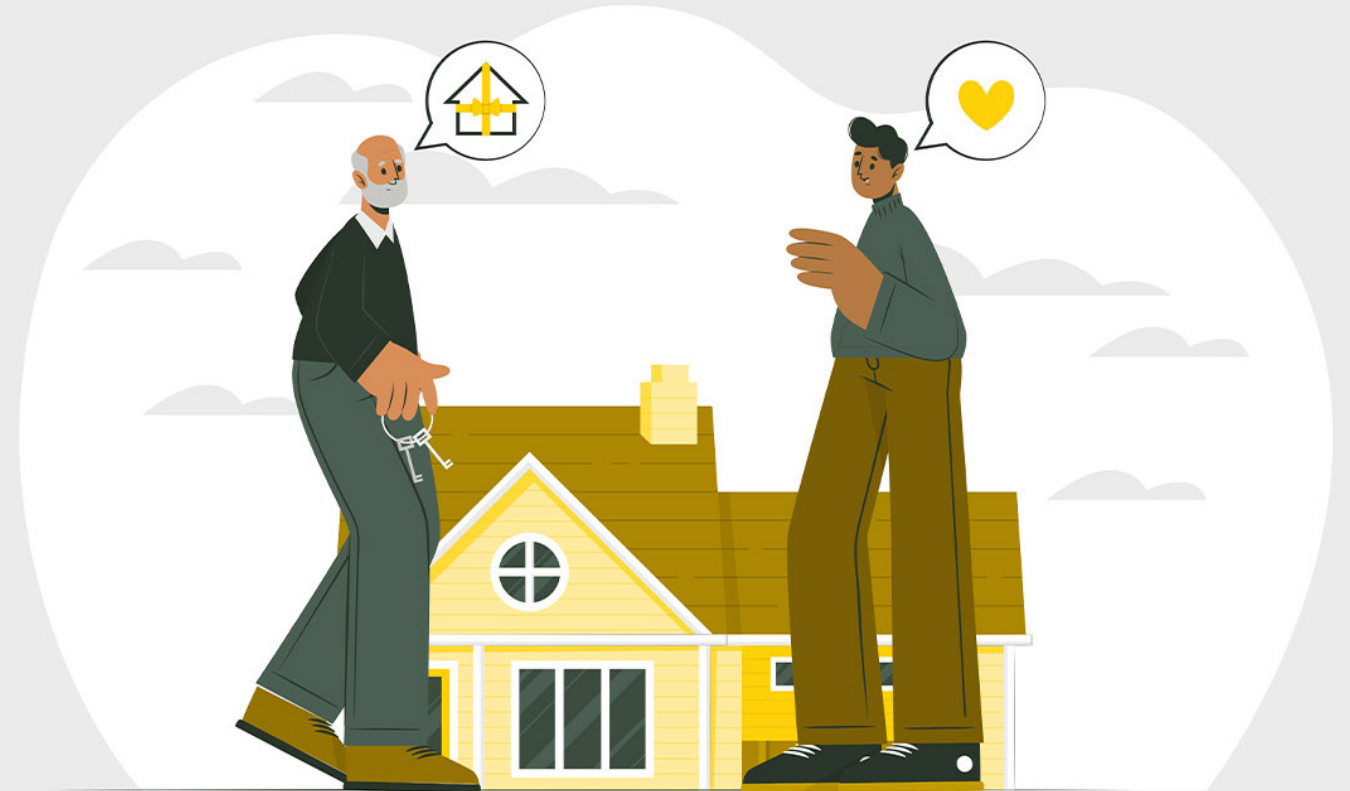
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در پایان این دیدار با اشاره به سابقه علمی قم فرمودند: قم از زمان ائمه معصومین علیه السلام مرکز علمی بوده و بسیاری از اصحاب برجسته معصومین علیهم السلام از قم بوده اند. باید با چنین نگاهی به قم خدمت کرد و توجه داشت که آبروی قم، آبروی شیعه است.

نیروی انتظامی سرعت و دقت را سرلوحه کار خود قرار دهد

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار سردار رادان فرماندهی انتظامی کل کشور، امنیت را مهم ترین مسأله در کشور دانسته و فرمودند: اولین تقاضای حضرت ابراهیم علیه السلام پس از بنای خانه خدا، امنیت است و نیروی انتظامی در خط مقدم تأمین امنیت کشور است. ایشان بر دو عامل سرعت و دقت در وظایف نیروی انتظامی تأکید کرده و افزودند: جستجو و تعقیب قوی سبب می شود که متهمان در کمترین زمان دستگیر شود، که باید این موضوع بیشتر مد نظر قرار گیرد.

معظم له با اشاره به اهمیت خبررسانی فرمودند: خدماتی که در اربعین صورت گرفته، بسیار خوب بوده که باید اطلاع رسانی شود، تا مردم در جریان کارهای انجام شده توسط این دستگاه قرار گیرند.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی با تأکید بر همکاری نیروی انتظامی با سایر نهادهای مرتبط افزودند: بعضی از کارها تنها بر عهده نیروی انتظامی نیست و باید سازمان های دیگر، از جمله اطلاعات همکاری جامع داشته باشند.



وقف و فقیر زدایی

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

گسترش فرهنگ اسلامی وقف سبب میشود بسیاری از نیازمندان زیرپوشش این گونه کمک‌ها قرار گیرند. در حال حاضر هزاران مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و کتابخانه و خانه‌های ارزان قیمت با همین انگیزه ساخته شده است.

مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی
www.makarem.ir



اجازه مصرف یک سوم سهم امام علیه السلام برای کمک به آسیب دیدگان زلزله افغانستان

بسمه تعالی

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت
الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته

با اهداء سلام و تحیت؛

با توجه به زلزله‌های منطقه غرب
افغانستان که موجب ویرانی و کشته و
زخمی شدن جمع زیادی از مردم مظلوم
آن منطقه شده، آیا می‌توان صدقات و

وجوه شرعیه را صرف آسیب دیدگان آن

مناطق نمود؟

جمعی از مقلدین

بسمه تعالی

خبر زلزله و کشته و زخمی شدن جمع
زیادی از مردم افغانستان موجب تألم
و تأثر گردیده و لازم است مردم به هر
صورت که می‌توانند برای کاهش آلام این

مردم بکوشند.

مؤمنین مجازند یک سوم سهم مبارک
امام علیه السلام را در این امر مصرف
نمایند.

ما نیز مبلغی را جهت کمک به این عزیزان
به هلال احمر جمهوری اسلامی پرداخت
می‌نماییم.

بازشناسی سنت‌های اصیل حوزوی

از منظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام‌ظله

میراث گران بها

حوزه های علمیه که امروز در دست ماست، آسان به دست ما نرسیده است. فداکاری های عظیمی در این راه شده است. حوزه های علمیه، شهدای بزرگی داده است. شهید اول و شهید ثانی و شهید ثالث و شهدای دیگر. این ها شهدای حوزه ها، به خاطر حوزه ها هستند.

اولین حوزه علمیه در اسلام در مدینه در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و بزرگانی هم چون علی علیه السلام، تشکیل شد تا رسید به محضر امام باقر علیه السلام و محضر امام صادق علیه السلام.

حوزه چهار هزار نفری امام صادق علیه السلام را همه شنیده اید. این حوزه ها در عصر ائمه علیهم السلام، گاهی در فراز بود و گاهی در نشیب. گاهی فشار و تهدید زیاد بود و گاهی کم تر، تا رسید به زمان غیبت. وقتی به زمان غیبت رسید احساس نیاز بیش تری شد.

یکی از اولین حوزه های رسمی که در عالم تشیع تشکیل شد، حوزه شیخ طوسی در بغداد بود. دشمنان اهل بیت علیهم السلام مزاحم شیخ طوسی در بغداد شدند و کرسی درس او را آتش زدند و حوزه درسی او را متوقف کردند، ناچار آمد به نجف اشرف (بیش از هزار سال پیش) و حوزه علمیه نجف را پایه گذاری کرد. این حوزه با گذشت زمان، روز به روز بالنده تر و با شکوه تر شد.

در قم هم، زمان ائمه علیهم السلام حوزه علمیه بود. برای این که محدثینی که به عنوان قمیون در علم رجال معروفند، این ها در واقع تشکیل دهنده گان حوزه

علمیه قم از زمان خود معصومین علیهم السلام بوده اند. این حوزه هم فراز و نشیب داشت، تا این که مرحوم آیت الله العظمی حائری آمد و یک موج تازه ای در این حوزه به راه انداخت و روز به روز دامنه دارتر شد. زمان مرحوم آیت الله العظمی بروجردی گسترده تر شد تا به زمان ما رسید. ما در حوزه علمیه قم در آن زمان نبودیم و سن مان هم اقتضا نمی کرد، اما کسانی که در آن زمان بودند اساتید ما نقل می کردند چنان فشار رضا خان بر حوزه علمیه قم شدید شده بود که روزها طلاب می رفتند در باغ ها و صحرای اطراف قم و شب بر می گشتند به مدرسه فیضیه و مدارس دیگر. نمی توانستند روز در مدارس قم ظاهر شوند و برنامه ها را ادامه بدهند. بیان این مقدمه برای نسل جوانی است که در دامن انقلاب پرورش یافته است تا بدانند این حوزه با این عظمت که سرچشمه مهم ترین انقلاب دینی در عصر ما شده، چه فراز و نشیب ها و چه مشکلاتی را پشت سر گذاشته تا به این جا رسیده است. حوزه، بزرگ ترین سنگر برای دین و برای تشیع است.

انگیزه الهی در تحصیل

در حوزه طلاب و فضلا برای رضای خدا و با انگیزه نشر معارف اهل بیت(ع) مشغول تحصیل و فراگیری علوم دینی می شوند و همه برای خدا درس می دهند و درس می خوانند این نورانیت خاصی به حوزه می دهد که این نورانیت در دانشگاه های مادی غرب پیدا نمی شود.

سنت های نظام آموزشی حوزه

سنت پیش مطالعه درس، فراگیری از استاد، مباحثه بعد از درس و خلاصه

نویسی و تقریر دروس و تدریس در سطوح پایین تر، از سنت های قدیمی و از امتیازات منحصر به فرد نظام آموزشی حوزه های علمیه است، که در دانشگاه نیست و باید این سنت ها را کاملاً حفظ کنیم و اهمیت بدهیم و فراموش نکنیم.

سنت مباحثه

مباحثه یکی از وجوه نظام آموزشی حوزه است که حوزویان را از دیگر دانشجویان و مراکز آموزش عالی متمایز کرده است و باید این مهم را پاس داشت.

مباحثه میان طلاب، فعالیت علمی است که در آن هوش و استعداد علمی فرد، به کار گرفته می شود؛ پیش تر، ما دوگونه مباحثه داشتیم. یکی مباحثه سنتی بود که پس از آنکه درسی را پیش استاد می خواندیم، با هم به مباحثه آن می پرداختیم که به آن مباحثه عرفی می گفتند. دیگری، مباحثه شرکتی بود که به نام بنیان گزارش، مباحثه کمپانی معروف شده بود و در آن بدون آنکه درس استادی مطرح باشد، مسئله ای طرح و محور پژوهش جمعی واقع می شد و طلبه ها پس از مطالعه درباره آن موضوع، گروهی می نشستند و آن را به مباحثه می گذاشتند. ما خود، در طول تحصیلاتمان این شیوه را در موضوعاتی چون تفسیر و فقه تجربه کرده ایم.

در حقیقت مباحثه یک شورای علمی است و در جهان غرب چنین شورای علمی پیدا نمی شود، این مساله باعث یادگیری بهتر دروس می شود، اما متأسفانه این امتیاز کم کم در حال کمرنگ شدن است.

عمق نگری در تحصیل

یکی از ویژگی های حوزه های علمیه،

ویژگی عمق است. یعنی مسایل را عمیقاً بررسی می کنند. نکند روزی بیاید ما هم دنباله رو آن ها بشویم که فقط به حفظ، قناعت می کنند، نه به عمق مسایل. به خاطر این ویژگی حوزه علمیه (پرداختن به عمق مسایل) گاهی برای یک مطلب، چندین حاشیه را می بینند، باز هم قانع نمی شوند، باز هم نظرات دیگری برای حل مشکل بررسی می کنند. مسایل را تا آن جا که می شود، عمیق مطالعه می کنند. این ویژگی را حفظ کنید. هم مباحث را تعمیق بدهیم و هم گسترش بدهیم. بزرگان پیشین، کار خودشان را انجام داده اند، ما هم باید وظیفه مان را انجام بدهیم، و این علوم را گسترده تر و پربارتر و عمیق تر به دست آیندگان بسپاریم.

هر جمعیتی در جا بزند، عقب گرد او حتمی است و هر جمعیتی عقب گرد کند، فنا و نابودی در انتظار او است. ما نباید قانع باشیم فقط میراث بزرگان پیشین را به دست آیندگان بسپاریم. باید به این میراث عمق بیش تری بدهیم.

آزاد اندیشی

این نکته را هم بیفزایم که نظام آموزشی حوزه متکی به آزاد اندیشی است؛ یکی از رسم هایی که همیشه در جلسات درسی حوزه ها بوده، همان اشکالاتی است که شاگردان در اثنای درس به گفته های استاد وارد می سازند. این پرسش و پاسخ و برخورد اندیشه ها، در حقیقت، نوعی فعالیت پژوهشی میان استاد و شاگرد است. هنگامی که طلبه ای پای درس استادی می نشیند، با تکیه بر هوش و فعالیت ذهنی خود، با دقت به سخنان استاد گوش فرا می دهد تا اگر به نکته دارای اشکالی برخورد کرد، تذکر دهد و هنگامی که اشکالی را مطرح می کند از قوای ذهنی و استعداد فکری حوزه، بهره می گیرد، و همچنین است استاد، زمانی که اشکال شاگرد خود را دفع می کند و با او به مناظره می پردازد. مباحثه میان

طلاب نیز فعالیتی علمی است که در آن هوش و استعداد علمی فرد، به کار گرفته می شود.

نظام آموزشی فرامرزی

حوزه جنبه منطقه ای ندارد و حوزه ها همیشه فرامرزی بوده و از تمام نقاط و ممالک در آنجا تحصیل می کنند، در نجف و قم نیز این گونه بوده که از کشورهای مختلف برای تحصیل می آمدند، در حال حاضر نیز این گونه است و حوزه های ما این افتخار را داشته اند که از کشورهای مختلف پذیرش داشته اند و از همه جا تشنگان علوم اهل بیت جمع می شوند و تحصیل می کنند.

انتخاب آزادانه استاد

دروس آزاد مزیت دیگر حوزه بر سایر نظام های آموزشی است؛ حوزه های علمیه این افتخار بزرگ را داشته اند که دروس آزاد دارند و انتخاب استاد به وسیله تلامذه انجام می شود.

اما در سایر نظام های آموزشی معمولاً اساتید تحمیلی هستند و شاگردان آزادی لازم را در این زمینه ندارند؛ کلاس های درس تشکیل می شود اساتید از سوی مسوولان دانشگاه و دانشکده انتخاب می شوند و دانشجویان باید شرکت کنند، خواه استاد را بپسندند یا نپسندند، که این مساله عوارضی را نیز به همراه دارد.

آزادی در انتخاب استاد سبب می شود که یک رقابت سازنده و بسیار موثری در بین اساتید خواهد بود، هر استادی سعی می کند بهتر مطالعه و تحقیق کند و در این میدان رقابت آزاد که هست توجه بیشتری به درس او باشد و این واقعا محسوس است.

اثر دیگر این است که نخبه ها و بهترین ها در حوزه ها شناخته می شوند، یعنی استقبال بیشتری از دروس شان می شود و این ها به درس خارج هم که می رسند در آنجا نیز برترین و بهترین ها مشخص می شوند و مراجع هم به صورت

خودجوش از میان آن ها انتخاب می شوند.

اثر سوم این که یک رابطه عاطفی میان استاد انتخابی و شخص انتخاب کننده ایجاد می شود که تا آخر عمر باقی و تاثیر گذار است ولی در اساتید از پیش تعیین شده هیچ یک از آثار فوق وجود ندارد و این ضایعه مهمی است.

باید کاری بشود که دروس آزاد که فقط بر محور علمیت استاد و عمق فکر و بیان خوب او دور می زند، از حوزه های علمیه برچیده نشود و نظام استاد تحمیلی بر حوزه ها حاکم نگردد. این میراثی است که از بزرگان برای ما به ارث رسیده و بزرگان و نخبگان در همین دروس آزاد تربیت شده اند و باید این میراث گران بها را حفظ و آسیب های آن را نیز حل کنیم.

استقلال حوزه های علمیه

در نظام آموزشی دانشگاهی دولت باید رییس دانشگاه را تعیین کند، اما در حوزه این گونه نیست، مراجع را هیچ گاه هیچ دولتی تعیین نکرده است و مراجع خودجوش از حوزه برخاسته اند و همین مساله است که حوزه را استقلال می دهد.

لذا سنت حوزه های علمیه، استقلال این نهاد بوده است، در حالی که تمام حوزه های اهل تسنن وابسته به دولت ها هستند؛ امروز الازهر سابقه شگرفی دارد اما وابسته به دولت است و مقامات دولت، رئیس الازهر و مفتیان آن را تعیین می کنند. تنها حوزه های علمیه شیعه است که مستقل عمل می کند و نباید این استقلال خدشه دار شود. هر گونه وابستگی به دولت و نفی استقلال حوزه های علمیه، ارزش این نهاد را پایین آورده و در حد حوزه های علمیه دیگران قرار می دهد.

من به اعضای شورای عالی حوزه های علمیه گفتم که سعی کنیم منابع مستقل مالی برای حوزه ها ایجاد کنیم تا حوزه از این منابع برای فعالیت های خود و تقویت شهریه ها و رفع نیازمندی ها استفاده کنند

و نخواهند از منابع دولت استفاده کنند. این مساله قابل تحقق است.

اخيراً خبر دادند که بناست موقوفات مربوط به حوزه‌ها احیا بشود و این نهادها به خود حوزه واگذار شود، اگر این کار صورت پذیرد حوزه‌ها به لحاظ مالی بی‌نیاز می‌شوند، باید جدی پیگیری کرد تا موقوفات حوزه از سوی نهادهای مربوطه آزاد شوند تا جایی که برخی مشکلات قانونی را از طریق مجلس پیگیری کرد.

استقلال سرمایه مهمی برای حوزه‌ها بوده و رهبر انقلاب بیان داشتند که من در حوزه‌های علمیه به عنوان مرجع دخالت

می‌کنم نه از بیرون به عنوان رهبر که این نشان از سخنان حساب شده ایشان و اهمیت استقلال حوزه‌ها دارد.

فراموش نکنیم وابستگی به دولت امکان انتقاد را از بین می‌برد، اگر وابسته شویم خطرات زیاد وجود دارد، می‌دانم بعضی از آقایان از دولت کمک می‌گیرند و انتقادی هم از آنان نمی‌بینیم.

در مجموع افتخار ما استقلال ما است و باید این حوزه را مستقل به آیندگان برسانیم و این شیوه و روش و سنت‌ها را حفظ کنیم تا حوزه و دولت تحمیل بر هم نباشند.

درس اخلاق

مسایل اخلاقی از ارکان مهم نظام آموزشی حوزه است که باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد؛ تفاوتی که ما با دنیای امروز و با دانشگاه‌های جهان داریم، این است که به موازات پیشرفت علمی باید پیشرفت تقوا و اخلاق باشد. در دانشگاه‌های دنیا درس اخلاق وجود ندارد، لذا محصولات آن ساخت بمب اتم و سلاح‌های کشتار جمعی است. بنابراین در کنار علم، تقوا را شرط می‌دانیم و این امتیاز باید حفظ شود و در زمانه‌ای که اخلاق تحت بمباران از سوی دشمنان

قرار می‌گیرد باید اخلاق یکی از دروس مهم حوزه‌های علمیه باشد.

از این رو اساتید از هر فرصتی برای بیان مطالب اخلاقی استفاده کنند؛ چرا که در غیر این صورت نظام حوزوی محفوظ نخواهد ماند.

سخن آخر: (سنت‌های اصیل حوزه باید حفظ شود)

این سیره و سنتی بوده که از بزرگان به ما به ارث رسیده. آثاری که هزار سال پیش روی هم گذاردند و انباشتند تا به صورت این مجموعه گران بها به دست ما رسیده،

چه در زمینه فقه، چه در اصول، چه در رجال، تفسیر، عقاید و برنامه‌های دیگر.

بزرگان حوزه با همین نظام آموزشی که حتی امتحان هم در آن وجود نداشت به قله‌های رفیع رسیده‌اند؛ حوزه با همین نظام آموزشی شیخ طوسی‌ها، علامه‌ها و شیخ انصاری‌ها پرورش داد و این محقق نمی‌شود مگر این که برای همیشه فرهنگ اصیل حوزه را حفظ کنیم، امروز برخی کشورها به دنبال اجرایی کردن نظام آموزشی حوزه هستند، اما متأسفانه گاهی دیده می‌شود که برخی با این نظام آموزشی مخالفت می‌کنند که این در



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از نگاه اندیشمندان غیر مسلمان

از منظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه

گوستاولبون

مورخان شرق و غرب از ایستادگی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر حوادث و مقابله با مشکلات بزرگ که هرگز از یک انسان عادی ساخته نیست حکایت هایی بسیار کرده اند.

«گوستاولبون» مستشرق معروف فرانسوی می نویسد: «او از هیچ خطری فرار نمی کرد و در عین حال خود را بی جهت نیز به خطر نمی افکند».

جان دیون پورت

«جان دیون پورت» انگلیسی می نویسد: «بدون شک اگر او (محمد) را یکی از نوادر جهان و پاک ترین نابغه ای که گیتی توانسته است تاکنون پرورش دهد نیاوریم؛ باید او را یکی از بزرگ ترین انسان ها و یگانه شخصیتی بدانیم که قاره آسیا می تواند به وجود چنین فرزندی بر خود ببالد».

اهمیت موضوع فوق (وحدت و برادری در میان قبائل کینه توز عرب) از نظر دانشمندان و مورخان حتی دانشمندان و مورخان غیر مسلمان مخفی نمانده و همگی با اعجاب فراوان از آن یاد کرده اند، به عنوان نمونه: «جان دیون پورت» دانشمند معروف انگلیسی می نویسد: «... محمد یک نفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خودش را مبدل به یک جامعه فشرده و با انضباط نمود و در میان ملل روی زمین آن ها را با صفات و اخلاق تازه ای معرفی کرد، و در کمتر از سی سال، این طرز و روش امپراطور قسطنطنیه را مغلوب کرد، و سلاطین ایران را از

و حالات محمد صلی الله علیه و آله و سلم مطالبی از روی حقیقت نوشته اند مراجعه نماید، بدگویان این پیامبر مانند: مارکس و بریدر و سایر این افراد، در نظرش حقیر و بسیار ضعیف جلوه می کنند».

گوته

«گوته» شاعر و دانشمند مشهور آلمانی می گوید: «سالیان دراز کشیشان از خدا بی خبر ما را از پی بردن به عظمت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، دور نگاه داشته بودند؛ اما پرده های چهل و تعصب نابجا از بین رفته و جهانیان را به سوی خود جلب نموده و سرانجام محور افکار مردم جهان می گردد».

فرانسوا ولتر

در کتاب محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) از کتاب اسلام از نظر «فرانسوا ولتر» یکی از اندیشمندان بزرگ فرانسوی چنین نقل شده که ناپلئون در انتقاد از نمایشنامه ولتر که در آن اهانت ها به ساحت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روا داشته می گوید: «ولتر به تاریخ و وجدان بشری خیانت کرده، زیرا سجایای عالی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را انکار نمود و مرد بزرگی را که بر چهره جهانیان فروغ الهی تاباند، موجود دیگری معرفی کرده است».

اتفاقاً «ولتر» در اواخر عمر خود در آن نمایشنامه موهن تجدید نظر نموده و با صراحت اعتراف می کند: «در محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) چیزی وجود دارد که احترام همگان را بر می انگیزد، و من در حق محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بسیار بد کردم».

شبلی شَمیل

«شبلی شَمیل» طبیب و نویسنده معروف مسیحی لبنانی در اشعار بسیار بلیغی که درباره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) سروده او را بهترین

مدبر و حکیم و دانشمند و خداوند سخاوت و سخن و مرد عقل و سیاست و قهرمان میدان نبرد معرفی می کند؛ و اوصافی برای او در این زمینه بیان کرده که در نوع خود بی نظیر است.

کنستانتین ویرژیل گئورگیو

در صدر اسلام، همه علاقه های افراطی به محیط تولد و زادگاه به خاطر حفظ و پیشرفت اسلام بریده شد، و به گفته رمان نویس و نویسنده معروف رومانیایی «کنستانتین ویرژیل گئورگیو»: «قبیله و خانواده تنها شجره و درختی است که در صحرا می روید و هیچ فردی جز در پناه آن نمی تواند زندگی کند، و محمد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از نگاه اندیشمندان غیر مسلمان از منظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی مدّ ظلّه العالی با هجرت خویش شجره ای را که از گوشت و خون خانواده اش پرورده شده بود برای پروردگارش قطع کرد» (و با قریش رابطه خود را برید).

سخن آخر

در کتاب دایرة المعارف بریتانیا ذیل کلمه قرآن چنین آمده است: «محمد صلی الله علیه و آله و سلم در میان رجال و شخصیت های بزرگ دینی و مذهبی جهان، موفق ترین و پیروزمندترین شخصیت عالم، به شمار می آید و رسالت او توأم با توفیق و پیروزی قابل توجهی بوده است».

کوتاه سخن این که: نه تنها دوستان و پیروان او، بلکه مخالفان و دور افتادگان از او آن قدر درباره صفات و سجایا و ملکات فاضله اخلاقی و برنامه های پرارزش زندگی شخصی و اجتماعی او سخن گفته اند؛ قضاوت هایی از دانشمندان و نویسندگان بیگانه درباره شخصیت و عظمت پیغمبر ما که پرارزش است و باید از آن استقبال کرد.

از مجموع این قرائن که به هر کدام اشاره گذاریم داشتیم به خوبی می توان نتیجه گرفت که او پیامبر صادق

و رسولی راستین و مبعوث از سوی خداوند بزرگ بوده، و در این امر کمترین تردیدی نیست؛ حتی اگر از تمام معجزات و خوارق عادات او صرف نظر شود. این دلیل برای اندیشمندان از معجزات عادی و معمولی بسیار برتر و بالاتر است.

چکیده:

امروز این مسأله حتی برای کودکان دبستانی نیز مسلم شده که اگر غول ثروت در جوامع انسانی آزاد باشد و تحت هیچگونه ضابطه و کنترلی درنیاید، همه چیز را در کام خود فرو می‌برد، حتی خود ثروت را! چگونه می‌توان انتظار امنیت و آرامش در جامعه‌ای داشت که اقلیتی از شدت سیری بیمارند و از فزونی ثروت گیج؛ و اکثریتی از گرسنگی و فقر رنج می‌برند. این همان «القاء در تهلكه» ای است که قرآن از آن خبر داده که به دنبال ترک «انفاق» تحقق می‌یابد، و در این زمینه در منابع اسلامی سخن بسیار است

- نخستین گام مبارزه با رباخواری در هر شکل و صورت؟

- تا بانک‌های رباخوار در کشور ما وجود دارد نمی‌توانیم ادعا کنیم نظام اقتصادی ما اسلامی است و نه انقلابی.

امروز این مسأله حتی برای کودکان دبستانی نیز مسلم شده که اگر غول ثروت در جوامع انسانی آزاد باشد و تحت هیچگونه ضابطه و کنترلی درنیاید همه چیز را در کام خود فرو می‌برد؛ حتی خود ثروت را! چگونه می‌توان انتظار امنیت و آرامش در جامعه‌ای داشت که اقلیتی از شدت سیری بیمارند و از فزونی ثروت گیج، و اکثریتی از گرسنگی و فقر رنج می‌برند. این همان «القاء در تهلكه» ای است که قرآن از آن خبر داده که به دنبال ترک «انفاق» تحقق می‌یابد، و در این زمینه در منابع اسلامی سخن بسیار است. اما در اینجا فوراً این سؤال پیش می‌آید که اسلام چه راههای عملی برای این «کنترل و تعدیل» پیشنهاد می‌کند؟ بدون آنکه نیاز به گرایشهای شرقی و غربی داشته باشیم و بی‌آنکه اصالت توحیدی اسلام را از دست دهیم به این هدف نائل شویم؟

طرق کنترل ثروت در اسلام

بررسی فقه اسلامی نشان می‌دهد که اسلام مجموعه دقیق و متشکلی را از احکام و قوانین برای تأمین این هدف در نظر گرفته است که در این فصل از بحثمان (پیرامون خطوط اصلی اقتصاد اسلام) آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف: مبارزه با «رباخواری» در هر شکل

از مهمترین طرق کنترل و تعدیل ثروت مسأله مبارزه با رباخواری است که نه تنها در گذشته، بلکه در امروز هم یک عامل مهم بیماری «اقتصاد بیمار جهان» به حساب می‌آید. رباخواری از ریشه‌های اصلی تقسیم غیرعادلانه ثروت در جوامع انسانی و غده سرطانی کشنده نظام سرمایه‌داری و کاپیتالیسم است. بدبختی بزرگ این نظام ضدانسانی اینجا است که آنچنان تاروپودش با رباخواری در آمیخته که جداکردن ربا از آن ممکن نیست و باید هم‌چنین باشد؛ چرا که نظام سرمایه‌داری از استعمار جدا نیست، و استعمار هم در شاخه اقتصادی اش از رباخواری نمی‌تواند جدا باشد که آن خود دام بزرگی است برای استعمار انسانها، و سرمایه‌ها! به‌همین دلیل در رژیم گذشته یعنی زمان منفور شاهنشاهی که اقتصادش یکی از زائده های اقتصاد غرب، و وابسته و دست نشاندۀ آن بود، هروقت سخن از حذف ربا می‌گفتیم فوراً می‌گفتند این حرفها قدیمی شد! اقتصاد دنیای مشرقی امروز بدون ربا نمی‌چرخد و حذف ربا و بانکهای رباخوار مساوی است با متزلزل ساختن پایه‌های اقتصاد جهان! (زیرا آنها جهان را جز جهان خودشان نمی‌شناختند)

دلایل توجیه‌گران نظام رباخواری

فلاسفه اقتصاد استعماری غرب! نه تنها وجود «ربا» را در سیستم اقتصادی خود عیب نمی‌دانند بلکه آن را یک عامل رشد اقتصادی می‌شمرند و درست به همین

دلیل می‌گویند دگرگونی شرایط اقتصادی در جهان امروز ایجاب می‌کند که ما «ربا» را حلال و مباح بشمریم؛ چرا که با اعتبارات و وامهای نزولی بانکها، مردم صاحب سرمایه، خانه، اتومبیل و کارخانه و وسائل کشاورزی میشوند، درحالی‌که بدون آن چرخهای فعالیتهای اقتصادی می‌خوابد! گاهی زرق و برق آنرا بیشتر از این هم می‌کنند و می‌گویند: ربای حرام آن است که از مصرف‌کننده بیچاره گرفته شود، و به وامی تعلق گیرد که انسان برای نیازهای روزانه می‌گیرد، اما اگر وام برای امور تولیدی و تجاری باشد اموری که خود سود دهنده است چه مانعی دارد وام‌دهنده در آن سود شریک باشد، و اصلاً اگر شریک نباشد دلیلی ندارد که به او وام دهد! و سرانجام استدلال می‌کنند که تعلق بهره به سپرده‌های ثابت و پس‌انداز و مانند آن انگیزه‌ی مؤثری است برای جذب سرمایه‌ها به سوی بانکها و از آنجا به سوی تولید، اگر ما بهره را مطلقاً حذف کنیم همه این سرمایه‌ها را از گردش معامله خارج ساخته‌ایم. اضافه بر این اگر ما سرمایه‌های کوچک را از طریق دادن بهره به آنها به بانکهای رباخوار نکشانیم، غالباً در مسیر مصرف (و شاید غالباً مصرف‌های تجملی یا نیمه تجملی) به کار می‌افتد که ضرر و خطرش روشن است؛ چرا که هم سرمایه‌ها از بین می‌رود و هم تورم و افزایش نرخها به وجود می‌آید. پس در شرایط موجود جهان امروز نه تنها حذف بهره امکان‌پذیر نیست، بلکه به فرض که امکان داشته باشد به هیچ وجه صلاح نیست.

این است منطق دانشمندان توجیه‌گر نظامات اقتصادی رباخوار که ظاهری فریبنده دارد و درون و باطنی چون سم‌کشنده. اما یک محقق آزاده، آزاد از وسوسه‌های شیطانی قدرتهای اقتصادی جهانخوار و موج تبلیغات آنها، با یک

مطالعه عمیق به این واقعیت پی می‌برد که رباخواری نه فقط در گذشته که در امروز و فردا، و فرداها باعث تراکم خطرناک ثروت در دست گروهی معدود و فلاکت و بدبختی اکثریت قاطع جامعه‌ها میشود. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعا کند که آزاد و خارج از حوزه سلطه قدرتهای استعماری است مگر اینکه «ربا» را کلاً و جزاً از نظام اقتصادی خویش حذف کند. اصولاً هر جا رباخواری هست وابستگی غیرقابل اجتناب خواهد بود. وضع رباخواری در جهان امروز نه تنها بهتر از گذشته نیست، بلکه به شکل بسیار خطرناک‌تری ظهور کرده؛ چرا که سابقاً افراد پول شخصی خود را به دیگری می‌دادند و سود می‌گرفتند، حالا بانکهای رباخوار پول مردم را به دیگران می‌دهند و سودش را بالا می‌کشند، و این بدترین نوع ربا است.

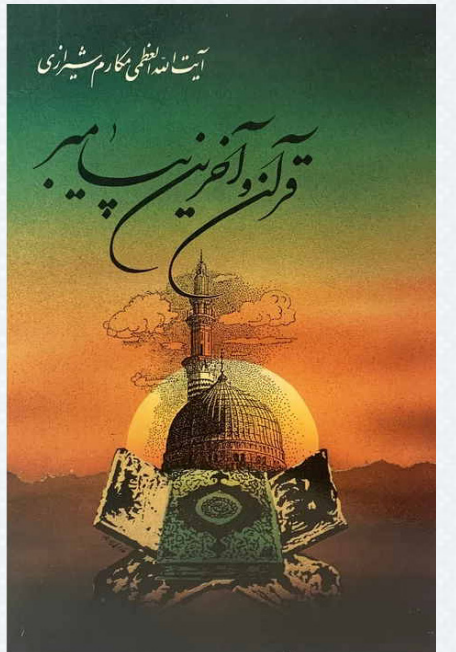
حتی گاهی بانکها از یک پول معین چندین بهره می‌گیرند بی‌آنکه اصل پول از آن خودشان باشد. فی‌المثل یک نفر یک هزار تومان پول خود را به عنوان حساب جاری به بانک می‌سپارد، بانک آن را به دیگری وام می‌دهد و بهره‌اش را می‌گیرد؛ شخص دوم با همان پول جنسی را می‌خرد و فروشنده آن وجه را گرفته و در حساب پس‌انداز خود می‌گذارد و بانک مجدداً آنرا به دیگری وام می‌دهد و برای بار دوم سودش را می‌گیرد، همینطور شخص سوم و چهارم و... و از همین جاست که بانکهای رباخوار مانند علف هرزه در هر کوی و برزن و کوچه پس کوچه ظاهر میشوند و مانند یک غده سرطانی به سرعت گسترش می‌یابند.

ما به خواست خدا در بحثهای آینده نظر اسلام را در مورد ربا و فلسفه‌های هشتگانه تحریم آن که در منابع اسلامی یافته‌ایم و حدود مفهوم ربا، و طرق ساختگی فرار از ربا را دقیقاً مورد بحث قرار می‌دهیم. در پایان این بحث ذکر این نکته را لازم می‌دانیم که تا بانکهای رباخوار (به هر نام

و عنوان) در کشور ما باقی است نمی‌توانیم ادعا کنیم نظام اقتصادی مملکت ما کاملاً اسلامی و انقلابی است.

منبع:

مجله مکتب اسلام، بهمن ۱۳۵۹، سال بیستم، شماره ۱۱، از صفحه ۱۱ تا ۱۳.



«قرآن و آخرین پیامبر» تجزیه و تحلیل مستدل و گسترده ای است درباره عظمت و اعجاز قرآن از دریچه های گوناگون و سایر طرق شناسایی پیامبر اسلام و مسائل مربوط به نبوت خاصه، که از سوی آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) به رشته تحریر درآمده است.

ساختار اصلی کتاب

عناوین اصلی کتاب عبارتند از: سخنی درباره اعجاز؛ نخستین گام؛ اعجاز قرآن از نظر موزون بودن کلمات و رسا بودن عبارات؛ اعجاز قرآن از دریچه عقاید و معارف مذهبی؛ اعجاز قرآن از نظر علوم روز؛ اعجاز قرآن از نظر تاریخ؛ اعجاز قرآن از نظر وضع قوانین؛ اعجاز قرآن از نظر خبرهای غیبی و پیشگویی های صریح؛ اعجاز قرآن از نظر هماهنگی آیات؛ دومین راه شناسایی پیامبر از طریق جمع آوری قرائن؛ قسمتی از کتاب هائی که هنگام نوشتن این کتاب مورد استفاده قرار گرفته؛ سایر آثار مؤلف.

سیری در کتاب

«قرآن و آخرین پیامبر»

گزارش محتوایی اثر

سخنی درباره اعجاز

مؤلف در این بخش از کتاب به ایراداتی که در بحث معجزات می شود، پاسخ گفته و تصویر روشنی از حقیقت اعجاز ارائه داده و به نحو اجمالی معنی «معجزه» و شرائط و امتیازات آن را بیان کرده است.

در فرازی از کتاب می خوانیم: بعضی هستند معجزات پیامبران را نوعی از خرافات می پندارند...دسته دیگری نیز در برابر معجزات، قیافه انکار آمیز به خود میگیرند...عده ای دیگر یک سلسله معجزات ساختگی و نامعقول، به پیامبران خدا نسبت داده، و قیافه علمی «معجزات واقعی» آن ها را با این اوهام می پوشانند!... این یک بحث دامنه دار، و یکی از دردهای بزرگ اجتماعی است.

قرآن، کلام بشری یا الهی

نویسنده در ادامه جهات مختلف اعجاز قرآن از جمله دلایل اعجاز قرآن و علت عجز همگان از آوردن مثل قرآن را مورد بررسی قرار داده است.

معظم له در پاسخ به این پرسش که چرا، و چگونه قرآن ساخته فکر بشر نیست؟ یک پاسخ کوتاه و اجمالی ذکر کرده و بررسی مشروح این سوال را در گرو بررسی اعجاز از دریچه های جاذبه و کشش فوق العاده، فرهنگ و معارف دینی، علوم و دانش های گوناگون، تاریخ، قوانین مختلف مدنی و اجتماعی و پرده برداشتن از حوادث آینده دانسته است.

در بخشی از کتاب آمده است: روح اعجاز را می توان در این مطلب خلاصه کرد: انجام یک عمل خارق العاده همزمان با دعوی نبوت، دعوت دیگران به انجام مشابه آن، و عجز و ناتوانی عموم در

برابر این دعوت. بدیهی است این دعوت عمومی که اصطلاحاً آنرا «تحدی» می گویند هر قدر قوی تر و گویاتر، و اعتراف دیگران به عجز و ناتوانی صریح تر باشد، قدرت اعجاز زیادتر خواهد بود.

اعجاز موسیقایی قرآن

معظم له در راستای شناخت این کتاب بزرگ، جنبه های مختلف اعجاز قرآن را به تفکیک بیان کرده، و این مسئله را از دریچه های گوناگون مورد بررسی قرار داده است.

مؤلف در بیان جنبه های نظم موسیقایی قرآن کریم، کلمات الهی را دارای آن چنان آهنگ و جمله بندی های موزون و نظم و اسلوب جالب دانسته که در تلطیف عواطف، و تحریک روح حماسی و غرائز پاک انسانی، به شدت ایفای نقش می کند.

در بیان معظم له نسبت «سحر» و «شعر» به آیات قرآن دادن و متهم ساختن پیامبر اسلام (ص) به این دو موضوع از ناحیه مخالفان، پرده از یک حقیقت بزرگ یعنی «جاذبه فوق العاده قرآن» می گشاید و یکی از مدارک زنده و نفوذ و تأثیر خارق العاده آیات قرآن در افکار و نفوس شنوندگان است و شیرینی و جذابیت و فصاحت و بلاغت اعجاز آمیز قرآن را مدلل می سازد.

در فرازی از کتاب می خوانیم: قرآن امتیاز بزرگ «زیبائی لفظ» و «زیبائی معنی» را در حد اعجاز دارد، الفاظ آن در نهایت عذوبت و شیرینی، جمله بندی هائی در نهایت ظرافت و زیبایی، کلمات آهنگ دار و موزون، و با این همه کاملاً قالب معانی با تمام ریزه کاری ها و دقایقش و این خود یکی از مظاهر «اعجاز» این کتاب

بزرگ آسمانی است که آن چنان معانی را با چنین الفاظی جمع کرده است.

اعجاز معرفتی قرآن

معظم له در این بخش با بهره گیری از روش تطبیقی، عقاید و معارف مذاهب مختلف را در برابر یکدیگر چیده، و یک بررسی همه جانبه روی محیط جاهلیت، یا عصر پیدایش و طلوع قرآن و محیط مذاهب دیگر مانند مذهب یهود و مسیحیت، یا مذهبی همچون بودائیت و مجوسی گری انجام داده و مزایای معارف قرآن را بر آن ها بیان کرده است.

ایدئولوژی مذهبی، عقاید در محیط نزول قرآن، مقایسه معارف قرآن و عقاید زمان جاهلیت، مقایسه معارف قرآن و عهدین، داستان آفرینش آدم در قرآن و عهدین، داستان ملاقات فرشتگان با ابراهیم (ع) در قرآن و عهدین، سرچشمه اختلاف زبان ها در قرآن و عهدین، اهم مباحثی است که در این بخش مورد واکاوی قرار گرفته است.

اعجاز علمی قرآن

نویسنده در بیان اعجاز قرآن از نظر علوم روز و طرح آیاتی که جزو معجزات علمی قرآن محسوب می گردد در پی مسائلی از علوم طبیعی رفته که صد در صد ثابت و قطعی و یا حسی باشد و از رفتن به سراغ «فرضیه ها» اجتناب کرده است، هم چنین مسائلی را در این زمینه مورد توجه قرار داده که دلالت آیات قرآن بر آن ها کاملاً روشن، و طبق قواعد ادبی در استنباط معانی از ظواهر الفاظ، قابل اعتماد باشد و نیازی به توجیه ها و تفسیرهای مخالف ظاهر پیدا نکند.

آیا تطبیق آیات قرآن بر اکتشافات علمی صحیح است؟، قرآن و حرکت زمین، قرآن و زوجیت در جهان گیاهان، قرآن و زوجیت عمومی در همه ذرات جهان، قرآن و قانون جاذبه عمومی، قرآن و تسخیر خورشید و ماه، قرآن و اسرار آفرینش کوه ها، قرآن و پیدایش جهان، قرآن و زندگی در کرات دیگر، مبالغه

ممنوع!، بادها و تلقیح گیاهان و مسئله کرویت زمین، عناوینی است که مؤلف در این فصل به آن پرداخته است.

در بخشی از کتاب می خوانیم: در بررسی های مربوط به اعجاز علمی قرآن مانند تمام بررسی های علمی نباید هرگز عجله کنیم و پیش داوری های غیر واقعی نباید ما را از حقیقت دور سازد، بلکه باید آیات مربوط به این بحث را مورد بررسی دقیق قرار دهیم و آن ها را که به جهتی از جهات دلالت روشنی بر مقصد ما ندارد کنار بگذاریم.

اعجاز تاریخی قرآن

واکاوی اعجاز قرآن از منظر تاریخ به ویژه در مورد انبیاء و امت های پیشین بر مبنای شرایط معاصر، ضرورتی است انکار ناپذیر که می تواند گویای حقانیت قرآن و دین مبین اسلام باشد.

لذا مؤلف با استفاده از روش تطبیقی که بهترین روش در اینگونه مباحث است و با یک نظر بی طرفی و دور از تعصب، «تواریخ قرآن» را با «تواریخ عهدین» مقایسه کرده و با ذکر شواهد و قرائن اینگونه جمع بندی کرده که کتاب عهدین به هیچ وجه کتاب آسمانی نیستند و در جهت تاریخی نیز بیشتر جنبه وقایع نگاری دارد، نه تحلیلی، نویسنده در ادامه با ذکر دلایلی امتیاز کتاب آسمانی بودن را منحصراً مربوطه به (قرآن) دانسته است.

اعجاز اجتماعی قرآن

نویسنده در این اثر محتوی قوانین اجتماعی گسترده قرآن را بر مبنای شرایط و کیفیات اجتماع و عصری که اسلام در آن تولد یافت از جنبه های مختلف تجزیه و تحلیل کرده و به این سوال ها پاسخ گفته است: ۱- اگر زندگی انسان ها به صورت اجتماعی نبود چه می شد؟ ۲- و اگر اجتماعی بود و قانونی نداشت چه روی میداد؟ ۳- بهترین قانون ها باید واجد چه شرایطی باشد؟

در ادامه امتیازات قوانینی که در قرآن

تشریع شده، در چند بخش ارایه کرده است.

اعجاز غیبی قرآن

مؤلف با بررسی نمونه هایی از اخبار غیبی قرآن و پیشگویی هائی را که به مناسبت هائی در قرآن آمده، مجموع این آیات را گواهی زنده بر ارتباط این کتاب بزرگ به جهانی ماورای این جهان ماده دانسته که دریچه ای به سوی اعجاز قرآن می گشاید.

شواهد و قرائن در اثبات نبوت

در بیان مؤلف اگر چه پیامبران برای دعوت عمومی خود حتماً معجزاتی در اختیار دارند، لیکن صدق گفتار آن ها را از طریق «جمع آوری قرائن» به خوبی می توان اثبات کرد.

در این زمینه نویسنده برای گردآوری این قرائن در مورد فرد مدعی پیامبری به جهات ده گانه ای اشاره می کند که بررسی دقیق آن مسائل ده گانه شناخت صدق و کذب گفتار فرد مدعی را آشکار خواهد کرد که عبارتند از: ۱- خصوصیات اخلاقی و روانی و سوابق پیامبر ۲- محیط دعوت او ۳- در زمانی تاریک و وحشتناک ۴- محتویات دعوت او ۵- دعوت او چه اثری در محیط گذاشت ۶- وسایل پیش برد هدف او ۷- ایمان آورندگان به او چه کسانی بودند؟ ۸- ایمان و فداکاری او در راه هدفش ۹- عدم سازش با انحرافات محیط ۱۰- سرعت تأثیر در افکار مردم بیدار

گفتنی است فهرست مطالب کتاب در ابتدا و فهرست بخشی از منابع کتاب و سایر آثار و تألیفات مؤلف در انتهای کتاب آمده است.

لازم به ذکر است این اثر نفیس نخستین بار در سال ۱۳۴۹ ه ش در یک جلد و در ۳۴۱ صفحه در قطع رقی گالینگور، توسط انتشارات دارالکتب الاسلامیه به رشته تحریر در آمده که تا کنون نیز چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.

چکیده:

امام حسین علیه السلام در ضمن خطبه ای فرمود: «ای مردم! مسابقه دهید در کسب مکارم اخلاق، و بشتابید در بهره گرفتن از فرصت های عمل صالح، و کار نیکی را که در انجام آن شتاب نکرده اید، به حساب نیاورید ... پس هر که در انجام خیری برای برادر دینی خود شتاب ورزد، آن را در فردای قیامت که بر او وارد می شود می یابد؛ أَتَيْهَا النَّاسُ نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ وَ سَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ وَ لَا تَحْتَسِبُوا بِمَعْرُوفٍ لَمْ تَعْجَلُوا ... فَمَنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَجَدَهُ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ غَدًا». «مسارعه» و «مسابقه» در خیرات، هر دو اشاره به یک حقیقت دارد و در واقع لازم و ملزوم یکدیگرند؛ زیرا، سبقت جستن بدون سرعت در عمل، امکان پذیر نیست و هر کسی سریعتر راه را سوی مقصود بپیماید، بی شک زودتر به مقصود می رسد.

سرعت، مسابقه و تعجیل در خیرات

امام حسین علیه السلام در ضمن خطبه ای فرمود: «ای مردم! مسابقه دهید در کسب مکارم اخلاق، و بشتابید در بهره گرفتن از فرصت های عمل صالح، و کار نیکی را که در انجام آن شتاب نکرده اید، به حساب نیاورید ... پس هر که در انجام خیری برای برادر دینی خود شتاب ورزد، آن را در فردای قیامت که بر او وارد می شود می یابد؛ أَتَيْهَا النَّاسُ نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ وَ سَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ وَ لَا تَحْتَسِبُوا بِمَعْرُوفٍ لَمْ تَعْجَلُوا ... فَمَنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَجَدَهُ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ غَدًا». [۱]

تعجیل در خیرات، در آینه آیات و روایات قرآن مجید در آیات متعددی، مؤمنان را به مسارعت در خیرات و پیشی گرفتن از یکدیگر دعوت می کند، از جمله در آیه

سرعت، مسابقه و تعجیل در خیرات

۱۱۴ سوره آل عمران در توصیف جمعی از مؤمنان راستین می فرماید: «وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» و آنها کسانی هستند که در انجام کارهای نیک سرعت کرده و بر یکدیگر پیشی می گیرند و آنها از صالحانند».

و در سوره انبیا آیه ۹۰ در توصیف جمعی از پیامبران بزرگ، مانند «زکریّا» و «یحیی» می فرماید: «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ؛ آنها در کارهای خیر به سرعت اقدام می کردند و بر دیگران پیشی می گرفتند».

و در آیه ۶۱ سوره مؤمنون، در شرح صفات برجسته مؤمنان آمده است: «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ؛ آنها در کارهای نیک به سرعت اقدام می کنند و از دیگران پیشی می گیرند».

در آیه ۱۳۳ سوره آل عمران، این مسئله به عنوان یک دستور عام خطاب به همه مؤمنان آمده است: «وَ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ؛ شتاب کنید و پیشی بگیرید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان، در رسیدن به بهشتی که وسعت آن به اندازه آسمانها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده است».

در آیه ۱۴۸ سوره بقره، همین معنی تحت عنوان مسابقه در خیرات مطرح شده است: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ؛ در نیکی ها بر یکدیگر سبقت جوید».

بدیهی است «مسارعه» و «مسابقه» در خیرات، هر دو اشاره به یک حقیقت دارد و در واقع لازم و ملزوم یکدیگرند؛ زیرا، سبقت جستن بدون سرعت در عمل، امکان پذیر نیست و هر کسی سریعتر راه

را سوی مقصود بپیماید، بی شک زودتر به مقصود می رسد. [۲]

در روایت اسلامی نیز اشارات بسیار پرمعنی و جالبی نسبت به این موضوع دیده می شود که گلچینی از آنها را می آوریم:

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ؛ [۳] خداوند کار نیکی را دوست دارد که با سرعت انجام شود».

۲. در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «بَادِرُوا بِعَمَلِ الْخَيْرِ قَبْلَ أَنْ تَشْغَلُوا عَنْهُ بِغَيْرِهِ؛ [۴] در انجام کارهای نیک سرعت کنید، پیش از آن که چیزی شما را به خود مشغول سازد و از آن باز دارد».

۳. در احادیث متعددی از امام صادق علیه السلام این مضمون دیده می شود: «مَنْ هَمَّ بِخَيْرٍ فَلْيُعَجِّلْهُ وَ لَا يُؤَخِّرْهُ؛ [۵] کسی که تصمیم به کار نیکی می گیرد، باید در آن شتاب کند و تأخیر نیندازد».

۴. در حدیث دیگری همین معنی به صورت مشروح تری از همان امام بزرگوار نقل شده است: «إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِخَيْرٍ أَوْ صَلَٰةٍ فَإِنَّ عَنْ يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ شَيْطَانَيْنِ فَلْيُبَادِرْ لَا يَكْفَاهُ عَنْ ذَلِكَ؛ [۶] هنگامی که کسی از شما تصمیم بر انجام کار خیر یا رساندن نفعی بر دیگری گرفت، باید مواظب باشد که در طرف راست و چپ او دو شیطان هستند؛ بنابراین باید به سرعت اقدام کند، مبادا آن دو شیطان – با وسوسه های خود – او را از این کار باز دارند».

۵. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «لَيْسَ مِنْ عَادَةِ الْكِرَامِ، تَأْخِيرُ الْإِنْعَامِ؛ [۷] تأخیر در بخشش از عادت

کریمان نیست».

۶. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «مَنْ هَمَّ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيُعَجِّلْهُ فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ فِيهِ تَأْخِيرٌ فَإِنَّ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَظْرَةٌ؛ [۸] کسی که تصمیم بر کار نیکی می گیرد، باید شتاب کند؛ زیرا هر چیزی که در آن تأخیر باشد، شیطان در آن نظر دارد [و با وسوسه های خود، تصمیم انسان را تضعیف می کند]».

کوتاه سخن اینکه در برابر کارهای خیر، همیشه موانع و وسوسه های شیاطین جن و انس وجود دارد؛ به همین دلیل هنگامی که مقدمات آن فراهم گردد، باید شتاب کرد، مبادا افراد تنگ نظر، کوتاه فکر و شیطان صفت، سنگ هایی در راه آن بیندازند.

این سخن را با حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام پایان می دهیم: «لَا تُؤَخِّرْ إِنِّالَهُ الْمُحْتَاجُ إِلَى غَدٍ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَعْرِضُ لَكَ وَ لَهُ فِي غَدٍ؛ [۹] کمک به نیازمندان را به فردا میفکن؛ زیرا نمی دانی فردا برای تو و برای او چه پیش می آید ای بسا! توان تو از میان برود، یا نیاز او». [۱۰]

پی نوشت:

[۱]. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، حلوانی، حسین بن محمد، محقق / مصحح: مدرسة الإمام المهدی(عج)، ناشر: مدرسة الإمام المهدی(عج)، قم، ۱۴۰۸هـ.ق، چاپ اول، ص ۸۱-۸۲، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ارغلی، علی بن عیسی، محقق / مصحح: رسولي محلاتی، هاشم، ناشر: بني هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱هـ.ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۹-۳۰؛ بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳هـ.ق، چاپ دوم، ج ۷۵، ص ۱۲۱-۱۲۲.

[۲]. اخلاق در قرآن، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، تهیه و تنظیم: جمعی از فضلا، مدرسه الامام علی بن ابی طالب(ع)، قم، ۱۳۷۷هـ.ش، چاپ اول، ج ۲، ص ۴۱۸-۴۱۹.

[۳]. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷هـ.ق، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۴.

[۴]. الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲هـ.ش، چاپ اول، ج ۲، ص ۶۲۰.

[۵]. الکافی، همان، ص ۱۴۲، ح ۶.

[۶]. همان، ص ۱۴۳، ح ۸.

[۷]. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، دارالکتب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰هـ.ق، چاپ دوم، ص ۵۵۸.

[۸]. الکافی، همان، ص ۱۴۳، ح ۹.

[۹]. غرر الحکم و درر الکلم، همان، ص ۷۵۸.

[۱۰]. اخلاقی در قرآن، همان، ص ۴۱۹-۴۲۰.

عدم حجیت یقین مکلف در نبودن مانع

اگر کسی یقین به عدم مانع در اعضای وضو داشته و بعد خلاف آن ثابت شود، آیا یقین او حجت بوده و دیگر نیازی به تکرار وضو نمی باشد؟

یقین مکلف کفایت نمی کند و در نماز طهارت شرط واقعی و ملاک می باشد، بنابراین باید وضو و عبادتی را که انجام داده تکرار نماید.

شک در مانعیت مانع حین و بعد از وضو و غسل

اگر شک در مانعیت، مانع موجود در اعضای وضو و غسل کند وظیفه او چیست؟

در حال وضو اشکال دارد و باید مانع را برطرف کند؛ ولی بعد از وضو اشکالی ندارد.

حکم مانع در اعضای وضو

وجود مانع در وضو چه حکمی دارد؟

باید مانعی از رسیدن آب نباشد و هرگاه می داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شك دارد که آیا مانع رسیدن

آب هست یا نه، باید آن را برطرف کند.

حکم لاک در انگشتان برای وضو

حکم استفاده از لاک در انگشتان برای وضو چیست؟

در وضو انگشتان دست باید از لاک پاک شود، ولی در انگشتان پا اگر یک انگشت خالی از لاک باشد (غیر از انگشت کوچک) و بر روی آن مسح بکشند صحیح است.

وجوب رفع مانع در اعضای وضو

چنانچه در یکی از اعضای وضو مانع وجود داشته باشد، وظیفه چیست؟

هنگام شستن دست و صورت باید آب را به پوست برسانند و در اعضای مسح نیز نباید مانعی وجود داشته باشد، اگر موانعی وجود دارد باید برطرف کنند، حتی اگر احتمال مانع می دهد باید واریسی نمایند.

وظیفه امامجماعت در صورت مشاهده مانع بر اعضاء وضو

اگر امامجماعت بعد از نماز بفهمد که در وضو مانعی بر پوستش بوده درحالی که قبل از وضو واریسی کرده و

متوجه مانع نشده، وظیفه ی امام و مأمومین چیست؟

در صورتی که مانع قابل توجهی باشد و یقین به نرسیدن آب کند باید نماز را اعاده کند؛ ولی نماز مأمومین صحیح است؛ اما اگر احتمال می دهد که مانع بعد از وضو به وجود آمده است نماز خودش نیز صحیح است.

وظیفه عروس برای وضو هنگام داشتن آرایش غلیظ

چنانچه عروس آرایش زیاد و غلیظ داشته باشد و امکان پاک کردن آرایش مذکور نباشد، وظیفه اش چیست؟

در صورت امکان بر سنگ صاف تیمم کند اگر نمی تواند همان گونه نماز بخواند و بعداً اعاده کند.

حکم وجود چرک در زیر ناخن

آیا وجود چرک در زیر ناخن مانع محسوب می شود؟

اگر زیر ناخن کمی چرک باشد وضو اشکال ندارد، ولی بهتر است آن را تمیز کند، اما اگر ناخن را بگیرد باید آن چرک را که مانع رسیدن آب به بدن است برطرف کند و نیز اگر ناخن بیش از حد معمول بلند باشد و چرک زیر آن، مانع رسیدن آب وضو است، باید آن را برطرف سازد.

حکم وجود رنگ های بدن جرم در اعضای وضو

آیا وجود رنگ هایی که جرم ندارند، برای وضو اشکال دارد؟

رنگ هایی که مانع رسیدن آب به بدن نیست، برای وضو ضرری ندارد ولی اگر مانع باشد، یا شك کند که مانع است یا نه باید آن را برطرف سازد.

حکم چرب بودن موی سر با روغن

چنانچه موی سر آغشته به روغن (روغن بادام و مانند آن) شده باشد برای وضو تکلیف چیست؟

چربی های معمولی و کم، مانع از رسیدن آب به موی سر نیست و در صورت مانع بودن لازم است بیخ موها یا پوست سر که روغن و مانند آن ندارد را مسح کنند.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ



مِنْ زَارِهَا عَارِفٌ بِحَقِّهَا فَلِلَّهِ الْجَنَّةُ